

تحلیل فضای مفهومی سازه سرمایه اجتماعی

در کلام امام علی ۷

محمد علینی^۱

غلامرضا غفاری^۲

چکیده

این پژوهش در صدد است تا روابط اجتماعی به مثابه سرمایه اجتماعی را در نهج البلاغه مورد بررسی قرار دهد. با استناد به خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار حضرت علی ۷ روابط اجتماعی در سطوح خرد و کلان به روش تحلیل محتوای کیفی مضمونی، در کلام امام بررسی شده است. در سطح خرد، رابطه خانواده، خویشاوندان، همسایه‌ها و دوستان که مفهوم سرمایه اجتماعی درون‌گروهی است و در سطح کلان، روابط مسلمانان با یکدیگر و روابط زمامدار اسلامی با مسلمانان در جامعه اسلامی که به اعتماد فراگیر در سطح عمودی بین زمامدار و مردم و سطح افقی بین مردم با یکدیگر منتهی می‌شود، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. روابط این سطح در کلام امام علی ۷ با لحاظ همبستگی و همگرایی انسان‌ها بر اساس تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز، روابط گسترده انسان‌ها را با یکدیگر مطرح می‌کند که به تثبیت و تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی منجر می‌شود. حضرت با عنایت به اصل ایمان و حق‌طلبی در برقراری روابط اجتماعی، به روابط گرم، پیوسته و

۱. دکتری دین‌پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی m.ellini@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه تهران ghaffary@ut.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه تهران

صمیمی تاکید دارد که به دور از منفعت‌طلبی و سودجویی‌های ابزاری و مادی به سرمایه اجتماعی گسترده منجر می‌شود که دستاوردهای آن شامل همه مومنان در جامعه اسلامی و همه انسان‌ها در جامعه بشری می‌گردد. بر اساس یافته‌های این بررسی، کلام و رهنمودهای امام خود سرمایه جاودانی است که از حیث گفتاری و کرداری می‌تواند تعیین‌کننده‌ای مهم برای حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی باشد.

کلیدواژه‌ها

امام علی 7، نهج البلاغه، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی، روابط اجتماعی، روابط اجتماعی اظهاری و ابزاری.

بیان مسئله

ایده محوری سرمایه اجتماعی، روابط و پیوندهای میان آحاد جامعه است. سرمایه اجتماعی بیانگر چگونگی روابط اجتماعی و روش تعامل کنش‌گران اجتماعی است. افراد جامعه در سطوح گوناگون با برقراری رابطه با یکدیگر و پایدار ساختن آن، قادر به همکاری با هم می‌شوند. با گسترش روابط و همکاری متقابل میان همه افراد جامعه، با مستحکم شدن پایه‌های اجتماع، نوعی دارایی شکل می‌گیرد که از آن به‌عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌شود. هر چه روابط میان افراد جامعه از استحکام بیش‌تر و کیفیت بالاتری برخوردار باشد و به صورت نظام‌مند و هماهنگ‌تر عمل گردد، اهداف جمعی در زمان کوتاه‌تر و با صرف هزینه کم‌تر به دست می‌آید. در این حالت است که سرمایه اجتماعی شکل خواهد گرفت که به واقع ترکیب ویژه روابط اجتماعی و نیز کیفیت این روابط می‌باشد.

هر چند کمتر از دو دهه از طرح عبارت «سرمایه اجتماعی»^۱ در آثار جدید علوم اجتماعی می‌گذرد، ولی با دقت در محتوا و هسته اصلی تشکیل‌دهنده این عبارت، یعنی چگونگی روابط و پیوندهای اجتماعی، متوجه می‌شویم که پیشینه سرمایه اجتماعی محدود به چند دهه اخیر نمی‌شود، بلکه می‌توان آن را در آموزه‌های دینی و اخلاقی، اندیشمندان و صاحب نظران قدیم و جامعه‌شناسان کلاسیک در چند قرن اخیر جست‌وجو کرد. ریشه‌های

1. Social capital

این مفهوم را می‌توان در اندیشه متفکرانی چون ابن‌خلدون، روسو، لاک، میل، توکویل^۱، مارکس، تونیس^۲، دورکیم، وبر^۳ و زیمل ردیابی کرد.

در مجموع مفهوم سرمایه اجتماعی را باید در اندیشه متفکران قرن هیجده و نوزده و در نوشته‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد و علم سیاست جست‌وجو کرد؛ هر چند که بیشتر پژوهشگران حوزه سرمایه اجتماعی روی قدمت تاریخی آن توافق دارند، لیکن استفاده مشخص از عبارت «سرمایه اجتماعی» به طرح این مفهوم توسط هانین در ۱۹۱۶ بر می‌گردد که آن را در معنای دارایی‌های روزمره به کار می‌برده است. به نظر ولکاک و نارایان، هانین، سرمایه اجتماعی را در معنای وجود حُسن نیت، حمایت و همدلی متقابل در بین افراد و خانواده‌ها در نظر گرفته است و اهمیت آن را با تبیین رابطه بین مشارکت محلی در ارتقای عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در مدارس گوشزد نموده است (غفاری، ۱۳۹۰: ۴-۳۲). به واقع سرمایه اجتماعی مربوط به آنچه که شما می‌دانید، نمی‌شود، بلکه مربوط به این واقعیت می‌شود که چه کسانی شما را می‌شناسند. این عبارت مختصر درک مرسوم از سرمایه اجتماعی را در خود دارد (فیلد، ۱۳۸۶: ۷). به رغم اینکه دین همواره به‌عنوان منبعی برای تولید سرمایه اجتماعی مطرح بوده، لیکن از آنجا که پیشینه مطالعات درباره سرمایه اجتماعی از دهه ۱۹۹۰ به بعد است، رابطه آن با دین و دین‌داری، چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

به هر حال سازه سرمایه اجتماعی با محوربودن روابط تعریف می‌شود و روابط را می‌توان به دو نوع گرم و سرد تقسیم کرد؛ روابط گرم و صمیمی میان آحاد جامعه، توانایی تثبیت و تقویت سرمایه اجتماعی در لایه‌های درونی و بیرونی را دارد که به‌صورت مثبت نمایان می‌شود. آموزه‌های اسلامی نیز به استحکام پایه‌های خانواده به‌عنوان واحد اساسی و زیربنایی جامعه توجه دارد تا جامعه مطلوب که هدف آن رسیدن به خوشبختی و کمال است را پدید آورد. بر این اساس است که اسلام به روابط درونی خانواده بین والدین و فرزندان اهمیت ویژه می‌دهد و در مراحل بعد، روابط در سطح گسترده‌تر را مطرح می‌کند.

1. Alexis de Tocqueville

2. Ferdinand Tonnies

3. Max Weber

روابط اجتماعی در سطوح خُرد و کلان موجب شکل‌گیری و فزونی سرمایه اجتماعی خواهد شد. ضرورت زندگی اجتماعی انسان‌ها، اقتضا می‌کند تا برنامه‌ای تدوین‌یافته و دارای انسجام برای چگونگی روابط انسان‌ها ارائه گردد تا در سایه این برنامه، حیات اجتماعی منظم و پُربار شکل بگیرد.

دین اسلام که داعیه جهانی دارد و دینی کامل و جامع به‌شمار می‌آید، دینی اجتماعی است که برای تکامل فرد و اجتماع دارای برنامه و دستورالعمل است. آموزه‌های اسلام به‌ویژه برای روابط اجتماعی افراد در سطوح گوناگون متناسب با نگاه هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی بر مواردی تأکید می‌کند که به استحکام روابط و پیوندها و در نتیجه به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و افزایش آن به‌صورت هدفمند منجر می‌گردد. بعد از قرآن کریم که کلام وحی برای مسلمانان است، نهج البلاغه که حاوی خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان حکمت‌آموز پیشوای اول شیعیان، حضرت علی 7 می‌باشد، می‌تواند معیاری برای شناخت روابط اجتماعی به مثابه سرمایه اجتماعی در سطوح متفاوت باشد.

پژوهش حاضر با استناد به سخنان امام علی 7 در نهج البلاغه، روابط اجتماعی گرم و صمیمی در سطوح خرد و کلان را مورد بررسی قرار داده است. بر این اساس، ابتدا در سطح خرد، روابط گرم در کانون خانواده، بین خویشاوندان، با همسایه‌ها و در جمع دوستان که تولید سرمایه اجتماعی درون‌گروهی می‌کند، بررسی و تحلیل شده است. سپس در سطح کلان، روابط گرم مسلمانان با یکدیگر در سطح افقی و روابط گرم زمامدار اسلامی با مسلمانان در سطح عمودی که تولید سرمایه اجتماعی برون‌گروهی می‌کند، بررسی شده است. با بررسی صورت‌گرفته در می‌یابیم که ملاک و معیارهایی که امیر مومنان، علی 7 درباره روابط و پیوندها مطرح کرده است، متناسب با آموزه‌های اسلامی و نگاه معرفت‌شناختی اسلام می‌تواند به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی منجر گردد که عمل به دستورات علوی در نهج البلاغه به بالندگی سرمایه اجتماعی گسترده، هدفمند و مثبت منجر خواهد گردید.

روش پژوهش

با توجه به ویژگی اکتشافی موضوع مورد مطالعه از روش تحلیل محتوای مضمونی که از

روش‌های مورد استفاده در سنت کیفی است، استفاده شده است. روشی که به تعبیر دورژه با تفسیر و تعبیر متن همراه است و تحلیل‌گر تلاش می‌کند تا ارتباط مطالب را حول موضوع مورد بررسی دریابد (دورژه، ۱۳۶۲: ۱۰۵). قلمرو مطالعه حسب مواد مورد بررسی خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار حضرت علی ۷ در نهج البلاغه به گونه‌ای است که روابط اجتماعی در سطوح خرد و کلان به روش تحلیل محتوای کیفی مضمونی، در کلام امام بررسی شده است. در سطح خرد، رابطه خویشاوندان، همسایه‌ها و دوستان که مقوم سرمایه اجتماعی درون‌گروهی است و روابط در سطح کلان در قالب روابط مسلمانان با یکدیگر و روابط زمامدار اسلامی با مسلمانان در جامعه اسلامی که به اعتماد فراگیر در سطح عمودی بین زمامدار و مردم و در سطح افقی بین مردم با یکدیگر منتهی می‌شود، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

پیشینه تحقیقات

از طرفی رابطه بین سرمایه اجتماعی با دین و آموزه‌های دینی در برخی پژوهش‌ها آمده است. از جمله می‌توان به کتاب سرمایه اجتماعی (۱۳۹۱) اشاره کرد. وی با روش تحلیل مضمون، ابعاد اعتقادی، اخلاقی و احکامی اسلام را با دو بعد عینی و ذهنی سرمایه اجتماعی در سطوح خرد و کلان بررسی و مقایسه کرده است (فصیحی ۱۳۸۶) نیز تأثیر دین اسلام را بر سرمایه اجتماعی به صورت نظری مورد بررسی قرار داده و نتیجه می‌گیرد که اجرای اصول دین اسلام تأثیر بسیار زیادی بر افزایش سرمایه اجتماعی دارد. دادگر، نظرپور و منتظر قائم (۱۳۹۴) نیز به ارزیابی تأثیر رویکرد اسلامی از سرمایه اجتماعی بر توسعه اقتصادی پرداخته‌اند. در این پژوهش با استفاده از رهیافت منطق فازی، مواردی از ابعاد نظری سرمایه اجتماعی از منظر اسلام محک تجربی پیدا کرده است دادگر و نجفی (۱۳۸۵) هم با روش تحلیلی - وصفی تلاش کرده‌اند تا با توجه به ماهیت سرمایه اجتماعی و پیوند آن با اخلاق و سنت‌های دینی و پندار و رفتار پیامبر ۹ به کارکرد و اندیشه پیامبر پردازند. هم‌چنین ضرغامی (۱۳۸۶) در نوشتار خود به بررسی و تأثیر نقش دین و نهادها و رفتارهای دینی در تقویت سرمایه اجتماعی و تأثیر مثبتی که باورها و اعتقادات مذهبی در تقویت این مسئله دارند، پرداخته است. وی ضمن آن که باورها و رفتارهای مذهبی را

دارای ارتباط معنادار با سرمایه اجتماعی می‌داند، آن‌ها را از عوامل مؤثر بر افزایش سرمایه اجتماعی می‌داند. هم‌چنین شریفی (۱۳۸۷) در بررسی آموزه‌های اسلام از دو رویکرد درون‌دینی و برون‌دینی استفاده کرده است. ایشان در تحلیل جامعه‌شناختی موضوع، نقش آموزه‌های دینی را نقشی دو جانبه ذکر کرده است. علینی، غفاری و ظهیری (۱۳۹۳) نیز تلاش کرده‌اند با استفاده از روش اسنادی و کیفی تحلیل متن، دلالت‌های مفهومی سرمایه اجتماعی در مجموعه آموزه‌های دین اسلام و رابطه سرمایه اجتماعی با حکمرانی خوب را بررسی کنند. سبحانی‌نژاد، علین و طباطبایی (۱۳۸۵) نیز با روش تحلیل محتوا، آیات قرآن را در مورد الگوهای رابطه اجتماعی مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند.

از طرف دیگر تأثیر مثبت دین‌داری افراد بر سرمایه اجتماعی در برخی از مطالعات تجربی به اثبات رسیده است که می‌توان به مطالعه مقاله کتابی و همکاران (۱۳۸۳) اشاره کرد که با استفاده از روش پیمایش، دین را عاملی تعیین‌کننده در افزایش سرمایه اجتماعی و همین‌طور سرمایه اجتماعی را عامل مهمی در توسعه اجتماعی و فرهنگی جوامع می‌داند. ملاحسنی (۱۳۸۱) نیز با استفاده از روش کمی و کیفی به بررسی متقابل دو متغیر سرمایه اجتماعی و دین‌داری پرداخته است. وی در چارچوب تحلیلی خود رابطه دو سویه بین سرمایه اجتماعی و دین‌داری قایل می‌شود. وی در جمع‌بندی خود دین‌داری را منبع شکل‌دهنده سرمایه اجتماعی می‌داند. شایگان (۱۳۸۶) در بررسی رابطه دین‌داری و اعتماد سیاسی با روش پیمایش، به رابطه مردم و دولت می‌پردازد و در نتایج تحقیق، تأثیرگذاری رابطه دین‌داری و اعتماد سیاسی را مشخص می‌سازد. در باره موضوع سرمایه اجتماعی و نهج البلاغه، می‌توان به کتاب فاضلی کبریا (۱۳۹۱) اشاره کرد که با استفاده از روش تحقیق داده بنیاد با استخراج مؤلفه‌ها و شاخص‌های سرمایه اجتماعی در آموزه‌های نهج البلاغه، مدلی مفهومی از نهج البلاغه را طراحی کرده است. هم‌چنین مقاله اعتصامی و فاضلی کبریا (۱۳۸۸) مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است که با توجه به اهمیت و جایگاه سرمایه اجتماعی در مدیریت سازمان‌ها به تبیین این بحث از دیدگاه امام علی 7 در تشکیل حکومت اسلامی پرداخته است.

پژوهش حاضر تلاش دارد روابط اجتماعی به مثابه سرمایه اجتماعی را در آموزه‌های علوی در نهج البلاغه در سطوح خرد و کلان مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس، نوع

روابط مد نظر امام علی ۷ که روابط گرم و صمیمی است از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار حضرت در سطوح گوناگون به دست آمده است. روابط و پیوندهای برخاسته از چنین روابطی به شکل‌گیری، تقویت و گسترش سرمایه اجتماعی منجر خواهد شد.

چارچوب نظری

روابط اجتماعی به مثابه سرمایه اجتماعی

در این مقاله محور سازه سرمایه اجتماعی یعنی چگونگی روابط اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است؛ امری که از پیشینه و حمایت مفهومی و نظری قابل توجهی در نوشته‌های سرمایه اجتماعی برخوردار است. زمانی سرمایه اجتماعی با کم و کیف روابط اجتماعی و شیوه تعاملات کنشگران اجتماعی تعریف می‌شود، وزن و تنوع روابط و تعاملات اجتماعی در مقیاس‌های خرد، میانی و کلان تعیین‌کننده میزان سرمایه اجتماعی است. «سرمایه اجتماعی» زمانی که به‌عنوان صفت جامعه در نظر گرفته می‌شود، بیانگر روابط و پیوندهایی است که کل جامعه را منسجم و متحد می‌کند و موجب طراوت و گرمی اجتماعی می‌شود. در واقع سرمایه اجتماعی، نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی است (غفاری، ۱۳۹۰: ۳۵ و ۲۵۷). بوردیو^۱، سرمایه اجتماعی را سرمایه‌ای از «روابط اجتماعی» می‌داند که در صورت نیاز می‌تواند حمایت‌های سودمندی را فراهم کند (فیلد، ۱۳۸۶: ۳۰). «جیمز کلمن»^۲، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع می‌داند که در روابط خانواده و در سازمان‌های اجتماعی محلی وجود دارند و برای رشد اجتماعی یک کودک، یا جوان مفید هستند (Coleman, 1988: 300). هم‌چنین کلمن «روابط» را تشکیل‌دهنده منابع سرمایه از طریق ایجاد تعهدات و انتظارات بین کنشگران، اعتمادسازی در محیط اجتماعی، بازکردن کانال‌هایی برای اطلاعات و تنظیم هنجارهایی که اشکال خاصی از رفتار را تضمین می‌کنند، تعریف می‌نماید (فیلد، ۱۳۸۶: ۴۵). «رابرت پاتنام»^۳ ایده مرکزی سرمایه اجتماعی را شبکه‌های

1. Bourdieu

2. James Coleman

3. Robert Patnam

اجتماعی ارزشمندی می‌داند که تماس‌های اجتماعی بر کارایی افراد و گروه‌ها تأثیر می‌گذارند (Putnam, 2000: 12). وی به تمایز بین دو شکل سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و بین‌گروهی بر مبنای شعاعی که این سرمایه اختیار می‌کند، توجه دارد.

۱. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی: اشاره به روابط مبتنی بر اعتماد و همکاری میان اعضای یک گروه دارد و حول خانواده، دوستان صمیمی و سایر خویشاوندان نزدیک تشکیل می‌گردد و با تقویت هویت‌های انحصاری موجب حفظ همانندی می‌گردد.

۲. سرمایه اجتماعی برون‌گروهی (بین‌گروهی یا جامع): در این قسم، افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی متنوع گرد هم می‌آیند. هم‌چنین یک بینش جامعه‌شناختی فراهم می‌آورد که می‌تواند هویت‌ها و تعاملات وسیع‌تری را به وجود آورد (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۶).

و این بیکر، جوهره اصلی سرمایه اجتماعی را در قالب روابط و کنش متقابل بین افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و کشورها مورد بررسی قرار داده است (غفاری، ۱۳۹۰: ۷۹). به نظر Lin nan (2001) سرمایه اجتماعی از طریق روابط اجتماعی به دست می‌آید (همان: ۹۴). زتومکا^۱، سرمایه اجتماعی را گزینه‌ای رابطه‌ای در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برای یک موضع در شبکه تعاملی جامعه می‌داند (چلبی، ۱۳۷۵: ۳۸). ویکر و اسلانر نیز جوهره سرمایه اجتماعی را در چگونگی روابط و تعامل مردم با یکدیگر دانسته‌اند (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲۳). از نوشته‌های ترنر^۲ و «بیکر» نیز می‌توان این مطلب را استنباط کرد که هر چه روابط از شدت بیشتری برخوردار باشند، دستیابی به سرمایه اجتماعی نیز بیشتر می‌شود (فصیحی، ۱۳۸۹: ۱۳۲). به لحاظ تحلیلی، تعامل بالقوه دارای دو وجه عمده ابزاری و اظهاری است؛ در تعامل با وجه ابزاری، تعاملات و روابط به‌طور عمده خصلت سودمدارانه و سرد دارند، ولی تعامل از نوع «اظهاری» نوعی مبادله گرم به حساب می‌آید و موجب پیوند افراد به یکدیگر، تکرار و دوام تعاملات به صورت عاطفی و صمیمی می‌گردد (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۶). تونیس جامعه‌شناس آلمانی نیز در یک دسته‌بندی، روابط اجتماعی را به دو نوع روابط اجتماعی و روابط جامعه‌ای که اولی ناشی از اراده ارگانیک و دومی ناشی از اراده محاسباتی و سوداگرانه

1. Pieter Sztompka

2. Jonatha Turner

است، تقسیم کرده است. جماعت از روابط «گرم» با بار عاطفی شدید ساخته شده است و جامعه، سازمان اجتماعی روابط «سرد» است که در آن تنوع منافع و حسابگری حاکم است (گی‌روشه، ۱۳۷۵: ۴۳). بر اساس این تقسیم‌بندی، روابط موجود در خانواده، شبکه خویشاوندی و گروه‌های دوستی با توجه به ماهیت آن از مصادیق بارز الگوی روابط اجتماعی و روابط موجود و حاکم بر مجموعه‌ها و سازمان‌های رسمی که روابط اداری و مبتنی بر عقلانیت محاسباتی و منفعت‌جویی سوداگرانه است، از مصادیق الگوی جامعه‌ای به‌شمار می‌روند.

شبکه روابط

تشکیل شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان اساس سرمایه اجتماعی در جامعه به‌شمار می‌رود. کوچک‌ترین مورد مشاهده جامعه‌شناختی، رابطه بین دو فرد یا به عبارت دقیق‌تر، کنش متقابل ناشی از روابط آن‌ها است. در مراحل بعدی با پیچیده‌تر شدن روابط و افزایش خطوط روابط و گسترش کنش، شبکه‌های اجتماعی تشکیل می‌گردد (شکرپیگی، ۱۳۸۹: ۱۶۸). گفتنی است مسئله اصلی در دیدگاه شبکه، روابط است. هم‌چنین واحد تشکیل‌دهنده ساخت جامعه، شبکه‌های تعاملی هستند. ساخت اجتماعی به‌عنوان یک شبکه از اعضا و مجموعه‌ای از پیوندها که افراد، کنش‌گران یا گروه‌ها را به هم متصل می‌سازد، تشکیل شده است. اعضای شبکه می‌توانند افراد، گروه‌ها، نهادها، موجودیت حقوقی یا سازمان و... باشد (همان: ۱۷۲ به نقل از ولمن، ۱۹۸۸). نقطه تمرکز دیدگاه شبکه این است که به جای توجه و تأکید بر کنش‌گران و ویژگی‌های فردی آنها به‌عنوان واحد تحلیل به ساختار روابط بین این کنش‌گران توجه می‌کند (همان، به نقل از کارتوسی، ۲۰۰۴: ۱). بنابراین پیوندها و روابط که بحث اصلی دیدگاه شبکه می‌باشند، به‌عنوان سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. به واقع ریشه سرمایه اجتماعی شبکه، به ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی بر می‌گردد.

شبکه مشارکت

شبکه مشارکت یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی‌اند. به باور «پاتنام» هر چه شبکه‌های مشارکت در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، احتمال همکاری شهروندان در جهت

منافع متقابل بیشتر خواهد بود. وی موارد زیر را برای چنین تأثیر جانبی سودآور قدرت‌مند شبکه‌های مشارکت مدنی بر می‌شمرد:

۱. شبکه‌های مشارکت مدنی، هزینه‌های بالقوه عهدشکنی را در هر معامله‌ای افزایش می‌دهند.

۲. شبکه‌های مشارکت مدنی، هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می‌کنند.

۳. شبکه‌های مشارکت مدنی، ارتباطات را تسهیل می‌کنند و جریان اطلاعات را در مورد قابل قبول بودن افراد بهبود می‌بخشند.

۴. شبکه‌های مشارکت مدنی، تجسم موفقیت پیشینان در همکاری هستند که می‌توانند به‌عنوان چارچوب فرهنگی شفاف برای همکاری آینده عمل کنند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۷-۲۹۸). هم‌چنین پاتنام (۱۹۹۸) بین شبکه‌های رسمی و غیر رسمی تمایز قایل است. شبکه‌های رسمی و غیر رسمی ارتباطات و مبادلات، در هر جامعه‌ای وجود دارد. این شبکه‌ها در دو نوع افقی و عمودی هستند. در شبکه‌های افقی شهروندانی عضویت دارند که از قدرت و وضعیت برابری برخوردار بوده و در شبکه‌های عمودی نیز شهروندانی عضوند که در وضعیتی نابرابر نسبت به هم به سر می‌برند (صالحی امیری و کاوسی، ۱۳۸۷: ۶۲). قابل ذکر است شبکه‌های مشارکت مدنی مورد نظر پاتنام، شامل شبکه‌های افقی می‌باشد، نه عمودی، زیرا در شبکه‌های عمودی، جریان اطلاعات غیر موثق‌تر از جریان افقی اطلاعات هستند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۸).

در بحث شبکه مشارکت «مارک گرانووتر»، جامعه‌شناس آمریکایی، از جمله جامعه‌شناسانی است که میان پیوندهای قوی - خویشان و دوستان نزدیک - و پیوندهای ضعیف - دوستان و خویشاوندان دور دست - فرق گذاشته و بر اهمیت پیوندهای ضعیف به‌عنوان حلقه‌های وصل پیوندهای قوی تأکید کرده است. به زعم وی پیوندهای ضعیف بیش از پیوندهای قوی که در گروه خاصی متمرکزند، توان ایجاد ارتباط بین اعضای گروه‌های کوچک متفاوت را دارا هستند (Granovetter, 1973:1360-1380).

گفتنی است که روابط و مشارکت از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردد که در بسیاری تعاریف سرمایه اجتماعی از دیدگاه صاحب‌نظران آورده شده است.

یافته‌ها

امام علی 7 در خطبه‌ها، نامه‌ها، و کلمات قصار خویش در نهج‌البلاغه به روابط اجتماعی و چگونگی آن عنایت داشته است. روابطی که سطوح خرد و کلان را اختیار کرده و به صورت حق و تکلیف برای مومنان لحاظ شده که در نوشته‌های جدید جوهره سازه جدیدی چون سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. این روابط در دو سطح خرد و کلان مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱. سطح خرد روابط اجتماعی

در این بخش از روابط اجتماعی در خردترین سطح آن که در عین حال اساسی‌ترین و زیر بنایی‌ترین سطح را تشکیل می‌دهد؛ یعنی خانواده، شروع می‌کنیم و در ادامه به روابط اجتماعی در سطح خویشاوندان، همسایه‌ها و دوستان می‌پردازیم.

الف. خانواده

زیر بنای روابط اجتماعی از روابط در خانواده شروع می‌شود. خانواده، بنیادی‌ترین و کهن‌ترین واحد اجتماعی است که مبدأ و منشأ پدید آمدن دیگر واحدهای متوسط و کلان اجتماعی، همچون عشیره، خویشاوندان، قبیله و به طور کلی جامعه انسانی به حساب می‌آید (شرف‌الدین، ۱۳۸۶: ۸۴). اثر مهم سرمایه اجتماعی ایجاد سرمایه انسانی در نسل بعد است. سرمایه اجتماعی هم در خانواده و هم در اجتماع، نقش مهمی در ایجاد سرمایه انسانی در نسل حال ظهور ایفا می‌کند (علینی، ۱۳۹۳: ۸۷). به اعتقاد کلمن، سرمایه اجتماعی موجود در درون خانواده که موجب می‌گردد سرمایه انسانی بزرگ‌ترها در دسترس کودک قرار گیرد، هم به حضور بزرگ‌ترها در خانواده و هم به توجه آنان به کودک بستگی دارد. به باور وی غیبت بزرگ‌ترها کمبودی ساختاری در سرمایه اجتماعی خانواده است (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۷۴).

امام علی 7 بر اساس رابطه اظهاری و گرم در روابط بین اعضای خانواده است که در نامه به فرزندش، امام حسن 7 چنین صمیمانه خطاب به وی می‌نگارد:

تو را دیدم که پاره تن من، بلکه همه جان من، هستی؛ آن‌گونه که اگر آسیبی به تو

برسد، به من رسیده است و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است. پس کار تو را، کار خود شمردم و نامه‌ای برای تو نوشتم تا تو را در سختی‌های زندگی رهنمون باشد؛ حال، من زنده باشم یا نباشم (نهج البلاغه، نامه ۳۰).

حضرت بعد از برقراری ارتباط عاطفی و صمیمی در نوشته خویش به فرزندش که زمینه اعتماد وی را فراهم می‌سازد، درباره چرایی و چگونگی تربیت و ضرورت فراگیری ادب و پرورش در کودکی و نوجوانی به وی چنین یادآور می‌شود:

پیش از آن که خواهش‌ها و دگرگونی‌های دنیا به تو هجوم آورند و پذیرش و اطاعت مشکل گردد؛ زیرا قلب نوجوان چنان زمین کاشته نشده آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود، پس در تربیت تو شتاب کردم پیش از آن که دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگری مشغول گردد تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه، زحمت آزمون آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن بی‌نیاز ساخته‌اند و آنچه از تجربه آن‌ها نصیب ما شد، به تو هم رسیده و برخی از تجربیاتی که بر ما پنهان مانده بود، برای شما روشن گردد (همان).

هم‌چنین حضرت علی 7 درباره حقوق فرزند و پدر می‌فرماید: «فرزند را بر پدر حقی و پدر را بر فرزند حقی است؛ حق پدر بر فرزند این است که فرزند در هر چیز، جز نافرمانی خداوند، او را فرمان برد. حق فرزند بر پدر این است که برای او نامی نیکو برگزیند و نیکو ادبش کند و به او قرآن بیاموزد» (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹).

از فرمایش حضرت علی 7 درباره حقوق فرزند و پدر در می‌یابیم که رعایت دو طرفه این حق، موجب صمیمیت و ارتباط گرم در کانون خانواده، به‌عنوان عام‌ترین واحد اجتماعی می‌گردد که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی را به وجود می‌آورد. البته نقش اساسی و عاطفی مادر در کنار پدر و محبت بین آنان و فرزندان موجب می‌گردد تا پایه اولیه سرمایه اجتماعی در درون محیط گرم خانواده به بهترین شیوه، شکل بگیرد. در این باره حضرت علی 7 همسر شایسته، همراه و موافق را یکی از دو دستاورد و دو آسایش زندگی دانسته است (غررالحکم و دررالکلم امدی، ج ۲: ۱۸۰).

امام علی 7 درباره حقوق دو طرفه بیان می‌کند که شایسته است خردسالان از بزرگسالان پیروی کنند و بزرگسالان به خردسالان مهر بورزند (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۵). کلام

حضرت به‌ویژه در محیط خانواده بین والدین و فرزندان می‌تواند راه‌گشای بسیاری از معضلات درونی بین اعضای خانواده باشد که مهر و محبت والدین به‌ویژه مادر به فرزندان موجب می‌گردد تا آنان نیز با الگو قرار دادن والدین از آنان پیروی کنند. این رابطه صمیمی و گرم در خانواده زمینه‌های شکل‌گیری سرمایه‌اجتماعی درون‌گروهی را به خوبی فراهم می‌آورد.

نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی در دوران معاصر از همان ابتدا به اهمیت نقش خانواده توجه کرده‌اند. به این ترتیب می‌توان با توجه به منابع و ظرفیت‌های برخاسته از پیوندهای طبیعی و خدادادی درون خانواده از سرمایه خانواده به‌عنوان مجموعه سرمایه‌اجتماعی انباشته، بازتولیدشده در این نهاد، سخن گفت. در واقع ارتقای سرمایه‌اجتماعی بدون استحکام خانواده بسیار دشوار و گاه غیرممکن خواهد بود. از دیدگاه آموزه‌های اسلام، هیچ بنایی نزد خداوند محبوب‌تر از خانواده وجود ندارد، زیرا سنگ بنای سرمایه‌اجتماعی را می‌سازد. تربیت اسلامی و رفتار صحیح والدین، بهترین مسیر برای ارتقای سرمایه خانواده و بازتوزیع آن از طریق تربیت مناسب فرزندان است (روحانی، ۱۳۹۰: ۳۹-۴۰). آنچه مسلم است نگاه اساسی آموزه‌های اسلامی در درجه نخست به تشکیل سرمایه‌اجتماعی در محیط خانواده است تا با تعامل پدر و مادر و ارتباط گرم و صمیمی آنان با فرزندان، پایه اولیه سرمایه‌اجتماعی درون‌گروهی به خوبی شکل گرفته و زمینه شکل‌گیری سرمایه‌اجتماعی بین‌گروهی را در سطح گسترده‌تر فراهم آورد.

سرمایه خانواده که زیربنای سرمایه‌اجتماعی محسوب می‌گردد، باعث اعتماد و پیوند صمیمی بین اعضای خانواده را می‌شود. با نهادینه‌شدن رابطه عاطفی و گرم در محیط خانواده، بستر روابط اجتماعی گسترده‌تر و اعتماد بین افراد جامعه را فراهم می‌کند که با همبستگی هم‌کیشان و هم‌نوعان در جامعه اسلامی منجر به افزایش سرمایه‌اجتماعی درون‌گروهی می‌گردد و جامعه را به سمت پیشرفت سوق خواهد داد. در استمرار چنین رابطه‌ای است که انسان‌ها تلاش می‌کنند با رعایت عزت و کرامت یکدیگر و تأکید بر اصل انسانیت به‌طور مسالمت‌آمیز در کنار هم زندگی کنند و با صلح و تفاهم، به پیشرفت‌های بشری در سطح جهان نائل گردند.

ب. خویشان

شبکه خویشاوندی به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های مهم نظام اجتماعی، در مرتبه بعد از خانواده، از کهن‌ترین و اصیل‌ترین کانون‌های تجمع انسانی است که جمع در خور توجهی از افراد برخوردار از قرابت نسبی و سببی را در چارچوب یک تشکیلات غیر رسمی با بار عاطفی و به دور از دغدغه‌های سودجویانه در خود جای داده است (شرف‌الدین، ۱۳۸۶: ۳۱۰). سیاست کلی اسلام بر ابقا و تحکیم شبکه خویشاوندی با توجه به زیر ساخت‌های طبیعی و کارکردهای ویژه آن استقرار یافته است. فلسفه تأکید اسلام بر صله رحم و رعایت پیوندهای طبیعی به عنوان پایه و مبنای پیوندهای اجتماعی در شبکه خویشاوندی، عمدتاً به دلیل کشش طبیعی و تمایل فطری و انگیزه کافی افراد برای پیوند با خویشاوندان و همکاری و مساعدت با ایشان است (همان: ۳۳۱).

حضرت در ذیل خطبه ۲۳ به پیوند و یاری خویشاوندان اشاره می‌کند. حضرت امر به همکاری، همراهی و پشتیبانی با خویشاوندان و عشیره می‌کند به جهت آنکه انسان از آنان بی‌نیاز نیست؛ هر چند ثروتمند هم باشد (ابن ابی الحدید المعتزلی، ۱۴۱۹ هـ، ج ۱: ۲۳۹). کلام حضرت علی 7 بیانگر آن است که مال و ثروت، انسان را از دوستان و خویشاوندان بی‌نیاز نمی‌کند بلکه کسانی که دارای مال و ثروت می‌باشند، نیاز بیش تری به ارتباط با خویشان و بستگان دارند تا در هنگام بلا و گرفتاری به یاری آنان بشتابند (الهاشمی الخویی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۳۳۸). کسی که خیرات خود را از خویشاوندان باز دارد، خود را از یاری و استفاده از آنان باز داشته است، ولی چون به کمک و پشتیبانی آنان محتاج شد، آنان به یاری‌اش برنخیزند و از اجابت دعوتش خودداری کنند؛ در نتیجه دست‌های زیادی کمک کار و قدم‌های خدمت‌گزار بی‌شمار از یاری‌اش باز داشته شوند (جعفری، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۵۹). حضرت در آخرین فراز از این خطبه به محبت و تواضع و نرم‌خویی و رفتار مداراآمیز با خویشاوندان اشاره می‌کند و می‌فرماید که این امر موجب جاودانگی دوستی آنان می‌گردد.

نکته دیگر که از خطبه حضرت برداشت می‌شود آن است که در آموزه‌های اسلام، تهیدستان سهمی شناخته شده در ثروت توانگران دارند، شایسته است ابتدا رسیدگی به خویشاوندان نیازمند صورت بگیرد؛ همان‌گونه که در روایتی آمده است تا زمانی که

خویشاوندان نیازمند است، صدقه به دیگری پذیرفتنی نیست (مغیبه، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۶۳). بنابراین سلسله مراتب بودن روابط و پیوندها را از نزدیکان در خانواده، خویشان و ... می فهمیم.

در نتیجه می توان به اهمیت سرمایه اجتماعی درون گروهی از نهاد خانواده گرفته، تا روابط بین خویشان و ... پی برد که در ادامه به شکل گیری سرمایه اجتماعی برون گروهی منتهی می گردد. نکته مهم زیر بنابودن سرمایه اجتماعی درون گروهی و سلسله مراتبی بودن روابط در شبکه ارتباطات می باشد. سرمایه اجتماعی درون گروهی مورد تأکید ویژه آموزه های اسلامی به خصوص کلام امام علی ۷ که بر اساس روابط خانوادگی و خویشاوندی و اصل صلۀ رحم، شکل می گیرد؛ جامعه ای پایدار و متحد را موجب می گردد که اعتماد بین افراد آن را شاهد خواهیم بود که افراد با همدلی و یکدلی به سوی توسعه متوازن و پیشرفت گام بر خواهند داشت. حضرت در ضمن خطبه ای دیگر تأکید بر روابط خویشاوندی می کند و انسان ها را از تکروی که موجب تباهی می گردد، باز می دارد (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱).

هم چنین حضرت در وصیت نامه خویش به فرزندانش - حسن و حسین - تصریح به پاس حرمت و شرافت خویشاوندی می کند (همان، نامه ۲۴). باز حضرت در فرمان مکتوب و عهد نامه معروف خود به مالک اشتر سفارش خویشان نزدیک را به وی گوشزد می کند و رعایت انصاف درباره آنان را یاد آوری می کند (همان، نامه ۵۳). حضرت هم چنین قطع پیوند و گسست صلۀ رحم را محکوم می کند (همان: خطبه ۱۹، ۸۳، ۱۳۷، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۷۱ و ۲۰۸؛ نامه ۳۶). امام علی ۷ صلۀ رحم را موجب حفظ و افزایش نعمت الهی، سرازیر شدن نعمت های خدا، رشد اموال و آبادانی نعمت ها می داند (غررالحکم و دررالکلم). وی در نهج البلاغه انجام صلۀ رحم را موجب افزایش مال و واپس افکننده مرگ بیان می کند (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹). نکته شایسته توجه آن است که امام علی ۷ گرامی داشتن خویشاوندان را به بالی تشبیه کرده است که با آن می توان پرواز کرد و به مانند ریشه و اصل می داند که آدمی به آن باز می گردد و همانند دست و نیروی آن دانسته است که انسان با آن حمله می کند (همان، نامه ۳۱). دلیل این که اسلام نسبت به نگهداری و حفظ پیوند خویشاوندی چنین پافشاری کرد، این است که همیشه برای اصلاح، تقویت، پیشرفت، تکامل و عظمت بخشیدن به یک

اجتماع بزرگ، چه از نظر اقتصادی یا نظامی و چه از نظر جنبه‌های معنوی و اخلاقی باید از واحدهای کوچک آن شروع کرد؛ با پیشرفت و تقویت تمام واحدهای کوچک، اجتماع عظیم، خودبه‌خود اصلاح خواهد شد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۵۷).

ج. دوستان

از دیگر روابط اجتماعی در سطح خُرد، روابط بین دوستان است. آنچه در آموزه‌های اسلامی دربارهٔ دوست و معیارهای گزینش و رابطهٔ صمیمی با دوست آمده است، تأثیر گفتار و کردار دوست و شبکه‌های دوستی در منش و اخلاق فرد است که اگر رابطهٔ دوستی بر اساس موازین صحیح و عقلی برقرار گردد، می‌تواند سرمایه‌اجتماعی مناسبی را در سطح خرد برای فرد ایجاد کند که به تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی منجر خواهد شد. افزایش سرمایه اجتماعی درون‌گروهی که به موجب روابط گرم و صمیمی دوستی برقرار می‌گردد، نتایج چشمگیری در پیوندهای اجتماعی خواهد داشت. هم‌چنین به موجب اعتمادی که در اثر روابط دوستی به وجود می‌آید جامعه‌ای شاداب را موجب می‌گردد که در سایهٔ آن شاهد پیشرفت در تمامی عرصه‌ها خواهیم بود. حضرت علی 7 در نامه‌ای به فرزندش که می‌توان آن را منشور تربیت نامید، ضمن سفارش وی به پرستش خدای یگانه، آموختن کتاب خدا، آشنایی به آیین اسلام و حلال و حرام و تأکید به اینکه برای آخرت آفریده شده‌ای، در مورد حقوق دوستان تصریح می‌کند که اگر دوست از تو پیوند برید، خود را به پیوند با او وادار و چون از تو رخ برتافت، تو به لطف قرابت روی آور و چون بخل ورزید، تو دست بخشش بگشای و چون دوری گزید، تو نزدیک شو و چون درشتی نمود، تو نرمی پیش آور و چون مرتکب خطایی شد، عذرش را بپذیر؛ گویا تو بندهٔ او هستی و او ولی نعمت تو می‌باشد. در ادامه حضرت چنین می‌نگارد که دشمن دوست را، دوست خود مشمار که سبب دشمنی تو با دوست گردد. امام دربارهٔ شیوهٔ پند به دوست، تأکید به خالصانه بودن اندرز می‌دهد. در ادامه این نامه، حضرت چنین آورده است که اگر خواستی پیوند از دوست خود بگسلی، جایی برای دوستی باقی بگذار تا اگر روزی پشیمان گردد، بتواند برگردد (نهج البلاغه، نامه ۳۱). حضرت چنان بر رابطهٔ گرم و صمیمی با دوست تأکید دارد که در همین نامه، دوست را به منزلهٔ خویشاوند می‌داند و می‌فرماید: «چه

بسا بیگانه‌ای که خویش‌تر از خویش است و چه بسا خویشاوندی که از بیگانه، بیگانه‌تر است» (همان).

حضرت علی ۷ استوارترین پیوند را در روابط اجتماعی، پیوند میان انسان و خدا می‌داند و ایمان به خدا را موجب الفت میان دوستان و یاران ذکر می‌کند (همان، خطبه ۹۵) حضرت، ضمن آنکه انصاف را سبب افزونی دوستان و یاران ذکر می‌کند (همان، حکمت ۲۲۴)، خوشرویی را وام محبت می‌داند (همان، حکمت ۶) و تصریح می‌کند که خلق و خوی نرم و خوش اخلاقی عاملی است که جذب دوست فراوان را به همراه دارد (همان، حکمت ۲۱۴).

امام علی ۷ رابطه سرد و ابزاری را نکوهش می‌کند و رابطه گرم و صمیمی را شرط دوستی بیان می‌کند. با این اوصاف، رابطه گرم، موجب ازدیاد رابطه دوستی و شبکه دوستی می‌گردد که به پیدایی و فزونی سرمایه اجتماعی منتهی می‌گردد. حضرت در رابطه دوستی هم به فراوانی دوستان انسان و هم به کیفیت و ملاک‌های ارزشی در انتخاب دوست توجه می‌کند. امام از طرفی دوستی کردن را نیمی از عقل می‌داند (همان، حکمت ۱۴۲) و از دست دادن دوست را به منزله غربت و تنهایی ذکر می‌کند (همان، حکمت ۶۵) و از طرف دیگر اخلاص و یکرنگی، خوشرویی و خوش اخلاقی، انصاف و مدارا و... را شرط دوستی می‌داند (همان، حکمت ۱۳۴).

ج. همسایه‌ها

رابطه با همسایه‌ها آن‌چنان اهمیت دارد که حضرت علی ۷ بعد از زخمی شدن به دست ابن ملجم و قبل از شهادت، مواردی را به عنوان وصیت نامه به فرزندانش حسن و حسین یادآوری می‌کند که یکی از فرازهای آن درباره همسایه‌ها است. حضرت می‌فرماید:

خدا را! خدا را! در مورد همسایه‌ها؛ خود خوش رفتاری کنید؛ چرا که آنان مورد سفارش پیامبر شما هستند. وی همواره نسبت به همسایه‌ها به گونه‌ای سفارش می‌کرد که ما گمان می‌کردیم به زودی سهمیه‌ای از ارث برایشان قرار خواهد داد (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

هم چنین حضرت، در بیان خطبه‌ای به اصحابش، برقراری پیوند با همسایه‌ها را خواستار

می‌شود (همان، خطبه ۱۰۵). ایشان در نامه معروف خود خطاب به فرزندش امام حسن 7 درباره همسایه یادآور می‌شود که پیش از گرفتن منزل، درباره همسایهات جست‌وجو کن و بنگر که همسایهات کیست (همان، نامه ۳۱). این فقره از نامه سودمند حضرت، تأثیر دیگران از جمله همسایه را بر آدمی مشخص می‌کند. رابطه صمیمی با همسایه علاوه بر آن که موجب می‌گردد در زمان نیاز، همسایه‌ها به یاری هم بشتابند، آرامش و همدلی بین همسایه‌ها، محیطی سرشار از صمیمیت را به ارمغان می‌آورد که همین امر به تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی منجر می‌گردد. سرمایه‌ای که یکپارچگی در میان اعضای جامعه را به وجود می‌آورد و جامعه اسلامی از دستاوردهای مثبت آن در همدلی مسلمانان و مؤمنان بهره خواهد برد.

۲. سطح کلان روابط اجتماعی

سرمایه اجتماعی در سطح کلان و به صورت برون‌گروهی در بین امت شکل می‌گیرد. هم‌چنین در جامعه اسلامی که زمامدار و حاکم بایستی منتخب مردم باشد و به دنبال احقاق حق آحاد جامعه باشد، روابطی مستحکم شکل می‌گیرد که باعث اعتماد عمودی خواهد شد؛ در نتیجه سرمایه اجتماعی به صورت عمودی - بین زمامدار و مردم - تثبیت خواهد گردید و به دنبال آن سرمایه اجتماعی به صورت افقی - در ارتباط افراد جامعه با یکدیگر - در لایه‌های اجتماع تقویت خواهد شد و جامعه راه کمال و پیشرفت را خواهد پیمود.

از مواردی که حضرت علی 7 متعدّد در نهج البلاغه بر آن تأکید می‌کند، لزوم یکپارچگی مسلمانان و پرهیز از تفرقه میان آنان است تا از این سرمایه اجتماعی مثبت درون جامعه اسلامی بتوانند در تقویت وفاق و انسجام اجتماعی بهره ببرند. حضرت ضمن تصریح به اینکه دست خدا با جماعت است، بیان می‌کند که از تفرقه پرهیزید که جدایی از مردم، همراهی با شیطان است (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷). وی قصد شیطان را گسست ایمان و به تفرقه کشاندن به جای یکپارچگی می‌داند (همان، خطبه ۱۲۰). امام در اهمیت یاری و اتحاد و نكوهش تفرقه به خدا سوگند می‌خورد و می‌فرماید: آنان که یکدیگر را وا گذاشتند و یاری نکردند، مغلوب شدند (همان، خطبه ۳۴). حضرت علی 7 در خطبه‌ای خاطر نشان می‌کند که خدا با فرستادن پیامبرش پراکندگی را به وحدت تبدیل کرد و با منت نهادن بر

اقت اسلام، میان آنها عقد اخوت بست تا در سایه آن به خوبی زندگی کنند. آن‌گاه آنان را مورد سرزنش قرار می‌دهد و می‌فرماید: «اِنَّا شَمَا بَعْدَ اَز دین داری، بی دین و بعد از عقد برادری، گروه گروه شده‌اید» (همان، خطبه ۲۳۴).

بار دیگر حضرت بیان می‌کند: نخست میان مسلمانان الفت و یگانگی بود، ولی اکنون جدا از یکدیگرند و از اصل خود پراکنده شده‌اند. وی از خدا می‌خواهد که میان آنها الفت قرار دهد تا همچون ابرها انبوه و متراکم شوند و سیل وار بر دشمن فرود آیند (همان، خطبه ۱۶۵) از این کلام حضرت علی ۷ روابط گرم و صمیمی که موجب اتحاد و همبستگی می‌گردد را متوجه می‌شویم که چنین روابطی به تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی منجر می‌شود و بر اثر آن می‌توان با یکدلی، موانع را بر طرف کرد و جامعه متحد اسلامی برقرار کرد و در برابر ظلم ستمگران ایستاد. بر اساس این است که امام می‌فرماید: خدا به برکت پیامبر اسلام ۹ از هم گسیختگی‌های اجتماعی را نظام داد و شکاف‌ها را پر کرد و اتحاد و دوستی ایجاد کرد (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲).

حضرت علی ۷ هم‌چنین در پیمان‌نامه‌ای که میان مردم یمن و ربیعہ نوشت، آنان را به اتحاد و مدد کار یکدیگر فرا می‌خواند (نهج البلاغه، نامه ۷۴). این اتحاد که همدلی و اعتماد بین مسلمانان را به وجود می‌آورد، به سرمایه اجتماعی درون‌گروهی منتهی می‌گردد که آثار مستقیم آن متوجه جامعه اسلامی، مسلمانان و مؤمنان جهت ایجاد زندگی مطلوب می‌شود که در سایه آن کدورت‌ها و کینه‌ها به محبت و دوستی منجر می‌گردد.

یکی دیگر از مواردی که امام علی ۷ مسلمانان را به آن فرا می‌خواند، صلح و آشتی است. امام در نامه خود به فرزندانش، آنان را به آشتی میان مردم سفارش می‌کند و از قول پیامبر ۹ نقل می‌کند که اصلاح میان مردم از عموم نماز و روزه برتر است (نهج البلاغه، نامه ۴۷). حضرت در خطبه‌ای دیگر مؤمنان را به پیمودن راه آشتی فرا می‌خواند (نهج البلاغه، خطبه ۱۶) و نیز نادانان را به مانند کورانی تشبیه می‌کند که راه اصلاح و آشتی را نمی‌بینند و آنان را مورد شماتت قرار می‌دهد (همان، خطبه ۱۷).

به واقع آشتی میان مسلمانان در جامعه اسلامی که در کنار هم زندگی می‌کنند، روابط اجتماعی صمیمی و سازنده را به وجود می‌آورد و موجب تقویت سرمایه اجتماعی مثبت در بین جامعه اسلامی می‌گردد که ثمره آن به خود اعضای جامعه بر می‌گردد. سرمایه

اجتماعی درون‌گروهی نقش اساسی در حیات اجتماعی و نشاط زندگی اجتماعی دارد که با همزیستی مسالمت‌آمیز و مشارکت‌جمعی و بهره‌گیری افراد در ارتباطات متقابل با یکدیگر، اعتماد فراگیر در سطوح افقی و عمودی را شکل می‌دهد.

نکته‌شایان توجه آن است که با ترکیب سرمایه اجتماعی درون‌گروهی با برون‌گروهی است که تعامل جهانی در جهت پیشرفت و توسعه همه‌جانبه صورت می‌گیرد و از تنازعات داخلی و خارجی و اختلافات هزینه‌بر جلوگیری می‌کند. امام علی 7 تقرب به سوی خداوند و به دست آوردن رضایت و خشنودی حق تعالی را ملاک در روابط اجتماعی ذکر می‌کند (همان، حکمت ۲۷۶). امام، نیکویی رابطه میان خود با خداوند متعال را سبب بهبودی رابطه با مردم از جانب خداوند می‌داند (همان، حکمت ۸۹). حضرت می‌فرماید: مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند، مگر «حق» در میان باشد (همان، خطبه ۱۶۶). هم‌چنین حضرت، آرامش را برای کسی از درگاه الهی می‌خواهد که حقی را ببیند و آن را یاری کند و ستم را دور سازد و صاحب حق را در گرفتن حق، یاری دهد (همان، خطبه ۱۹۶).

ملاک دیگری که حضرت در روابط بین مؤمنان یادآوری می‌کند، ملاکی اخلاقی است که در نامه به فرزندش امام حسن 7 آورده است و از وی می‌خواهد خود را در آنچه میان او و دیگران است، میزان قرار دهد. چنان‌که امام می‌فرماید: «برای دیگران دوست‌بدار آنچه را برای خود دوست می‌داری و آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مخواه» (همان، نامه ۳۱). این فرمایش امام علی 7 همان اصل زرّین اخلاقی را گوشزد می‌نماید که آنچه برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران نپسند. حضرت، مصادیق این معیار کلی در برقراری رابطه با دیگر برادران مؤمن را چنین بر می‌شمرد: همان‌گونه که نمی‌خواهی به تو ستم کنند، بر کسی ستم روا مدار، به دیگران نیکی کن، همان‌گونه که می‌خواهی به تو نیکی کنند. آنچه از دیگران زشت می‌داری، بر خود نیز زشت‌بدار. آنچه از مردم به تو می‌رسد، سزاوار است که از تو نیز به مردم برسد. آنچه نمی‌پسندی به تو گویند، تو نیز بر زبان میاور (همان).

از جمله معیارهای برقراری رابطه با مؤمنان از دیدگاه امام، پاسخ بهتر به گفتار و رفتار برادر مؤمن است، آنجا که می‌فرماید: «چون تو را درودی گفتند، تو درودی بهتر گوی و

چون احسانت نمایند، افزون‌تر از آن را پاداش ده» (نهج البلاغه، حکمت ۶۲). عمل به همین فرمایش امام، روابطی مستحکم و پا برجا میان اعضای جامعه اسلامی شکل می‌گیرد و موجب بالندگی و افزایش سرمایه اجتماعی خواهد گردید. سرمایه اجتماعی که بر اساس روابط گرم و صمیمی و بر اساس رضایت الهی به وجود می‌آید، از چنان ماندگاری و جاودانگی برخوردار است که مسلمانان در جامعه اسلامی از نتایج سودمند آن در پیشبرد اهداف و پیشرفت‌های همه‌جانبه بهره خواهند برد. امام علی ۷، اصل معاشرت اجتماعی و برقراری رابطه مؤمنان با یکدیگر را چنین بیان می‌کند: «با مردم به گونه‌ای معاشرت کنید که اگر مرید بر شما بگریند و اگر زنده بودید، به شما مهربانی ورزند و با شما دوستی کنند» (نهج البلاغه، حکمت ۱). حضرت ویژگی‌هایی را برای مؤمنان بر می‌شمرد که می‌تواند معاشرت نیکو و رابطه صمیمی را میان مسلمانان و مؤمنان ایجاد کند.

این ویژگی‌ها در بیان امام عبارتند از: مهربان و فروتن بودن با یکدیگر و پرهیز از نفاق و دورویی؛ (همان، خطبه ۱۵۲)، نرم‌خویی و برخورد همراه با رحمت با دیگران؛ (همان، خطبه ۱۸۴)، مشورت با دیگران (همان، حکمت ۵۴، ۱۶۱ و ۲۱۱)، انصاف داشتن با دیگران و بردباری در برابر نادان (همان، حکمت ۲۲۴)، وفای به عهد و پیمان؛ (همان، حکمت ۱۵۵)، تواضع در برابر مومنان و نهی از خود بزرگ‌بینی و تکبر، دوری از ستم و تفرقه و قتل نفس، برقراری رابطه مهربانانه با یکدیگر و دوری از کینه‌ورزی دل‌ها؛ (همان، حکمت ۲۳۴)، پرهیز از غیبت برادر دینی خود (همان، خطبه ۱۴۰)، گوش فراندادن به بدگویی‌های مردم درباره برادر دینی خویش (همان، خطبه ۱۴۱)، دورساختن شر خود از مردم، (همان، حکمت ۱۲۳)، عدم خصومت‌ورزی با خلق (همان، حکمت ۳۱)، برکندن ریشه کینه دیگران از دل (همان، حکمت ۱۷۸)، گمان نیک‌بردن به سخن دیگران (همان، حکمت ۳۶۰)، نرم‌خویی و نرم رفتاری با دیگران، (همان، حکمت ۴۰۱)، سودرساندن به مردم (همان، حکمت ۳۳۳)، برطرف کردن نیاز برادر دینی (همان، حکمت ۴۲۷)، به خشم‌نیاوردن برادر مؤمن خود (همان، حکمت ۴۸۰)، مشارکت با مردم فراخ‌روزی (همان، حکمت ۲۳۰)، برقراری ارتباط با افراد کریم و جوانمرد (همان، حکمت ۲۴۷)، بخشش به افراد تهیدست و نیازمند (همان، حکمت ۳۰۴ و ۳۲۸) و نیکی کردن به بازماندگان دیگران (همان، حکمت ۲۶۴).

با نگاهی گذرا به سخنان حضرت علی ۷ در آموزه‌های نهج البلاغه در می‌یابیم که

امام بر روابط اظهاری و ثبت میان اعضای خانواده بزرگ اسلامی تأکید فراوان دارد. این تأکید موجب می‌گردد تا روابط اجتماعی میان مسلمانان و مؤمنان به مثابه سرمایه اجتماعی در سطح کلان عمل کند. عمل به چنین آموزه‌هایی به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی مثبت و پررنگ با معیار «خدا مداری» منجر می‌گردد. شکل‌گیری چنین سرمایه اجتماعی در آموزه‌های علوی که برگرفته از آموزه‌های اسلامی است، پایدار است و تنها در قالب روابط ابزاری و منفعت‌طلبی سوداگرانه مصداق پیدا نمی‌کند. بر اساس ملاک کسب رضایت الهی و حق‌محوری است که سرمایه اجتماعی مستحکم شکل خواهد گرفت و میزان آن رو به فزونی خواهد گذاشت.

از مباحث مطرح در سرمایه اجتماعی، بحث روابط عمودی و افقی است. در روابط عمودی که رابطه میان حاکمان و زمامداران با افراد جامعه مطرح است، هر چه روابط بر مبنای همکاری صادقانه و اعتماد متقابل شکل بگیرد، سرمایه اجتماعی قوی را موجب می‌گردد و خود سبب می‌شود تا مردم جامعه نیز در روابط افقی با یکدیگر همکاری کنند و با اعتماد کردن به هم پایه‌های سرمایه اجتماعی را تقویت کنند.

رابرت پاتنام، ضمن بیان ابعاد افقی و عمودی سرمایه اجتماعی معتقد است که مردم در سطوح پایین در پیوند افقی از تصمیمات سطوح بالا در سازمان‌های عمودی اطاعت می‌کنند (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۱۲۸-۱۲۷). نارایان (۱۹۹۹) نیز در بیان ایده‌های اصلی سرمایه اجتماعی پل‌زننده، روابط دولت - جامعه را با هم تلفیق می‌کند و قائل است که در جوامع دارای حکومت مطلوب و سطوح بالای سرمایه اجتماعی پل‌زننده و احتمالاً بهره‌مند از رونق اقتصادی و نظم اجتماعی، دولت و جامعه می‌توانند مکمل هم باشند (باغینی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۹-۱۰۸). بنابراین نوع روابط زمامداران با افراد جامعه در تقویت و یا تضعیف سرمایه اجتماعی دارای نقش اساسی است که این امر در جامعه اسلامی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

حضرت علی 7 درباره زمامدار اسلامی با مردم جامعه، موارد مهمی را به‌ویژه در عهد نامه مالک‌اشتر به‌طور کامل ذکر کرده است. عمل به فرامین امام علی 7 در رابطه زمامدار با مردم جامعه موجب می‌شود تا با جلب اعتماد مردم به حاکمان و زمامداران، سرمایه اجتماعی در روابط عمودی به خوبی شکل بگیرد و در استمرار آن سرمایه اجتماعی در

روابط افقی بین اعضای جامعه ایجاد گردد. این امر در نهایت منجر به تشکیل سرمایه اجتماعی بین گروهی می‌گردد که به مثابه منبعی سرشار برای مشارکت مردمی، همیاری و همدلی آنان تبدیل خواهد شد؛ جلب اعتمادی که میان مردم با کارگزاران و زمامداران به وجود می‌آید، موجب توسعه همه جانبه و پایدار به‌ویژه توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در جامعه خواهد شد و با همدلی آحاد مردم، جامعه راه کمال و سعادت را خواهد پیمود. جامعه مطلوب اسلامی، جامعه‌ای است که بر اساس محبت و روابط منطقی در میان آحاد جامعه و رعایت حقوق یکدیگر سامان می‌گیرد و سرمایه اجتماعی فزاینده را موجب می‌گردد.

نکته شایان توجه در آموزه‌های علوی در نهج البلاغه، تأکید حضرت به اتفاق مردم برای زمامداری وی (نهج البلاغه، خطبه ۳) و هجوم مردم برای بیعت با ایشان (همان، خطبه ۵۳) می‌باشد که از این کلام حضرت مردم‌سالاری و مهر تأییدزدن بر انتخاب مردم به دست می‌آید. مردم‌سالاری با کمک سرمایه اجتماعی قدرت بهتری برای مواجهه با چالش‌های توسعه‌ای خواهد داشت و بر قابلیت مردم برای سامان‌دادن به اهداف اقتصادی‌شان تأثیر می‌گذارد و از برقراری حاکمیت قانون و ایجاد نهادها حمایت خواهد کرد (فوکویاما: ۱۳۷۹). امام، ضمن آن که قلمرو و فرمانروایی را امانت می‌داند، نه طعمه (نهج البلاغه، نامه ۵)، به دو طرفه بودن حق زمامدار بر مردم و مردم بر زمامدار اشاره می‌کند و می‌فرماید: بزرگ‌ترین حقی که خدا از حقوق واجب گرداند، حق حاکم بر مردم و حق مردم بر حاکم است. به اعتقاد حضرت این حق دو طرفه، موجب انس میان زمامدار و مردم و ارجمندی دین آنها می‌گردد. به فرمایش حضرت، مردم به صلاح حاکمان و زمامداران به راستی و درستی مردم اصلاح می‌شوند و رعایت حق، موجب استواری دین، برپایی عدالت، اجرای سنت‌های پیامبر ﷺ و دوام دولت می‌گردد. امام قائل است اگر زمامدار بر مردم ستم کرد و یا مردم بر حاکم چیره گشتند و حقوق را رعایت نکردند، اختلاف کلمه پدید خواهد آمد و نشانه‌های ستم پدیدار خواهد گشت و تباه‌کاری در دین به وجود خواهد آمد و نیکان به خواری و ذلت خواهند افتاد (همان، خطبه ۲۰۷).

حضرت درباره حقوق متقابل زمامدار به صراحت چنین بیان می‌کند:

«ای مردم! همانا شما را بر من حقی و من را بر شما حقی است. حق شما بر من، این

است که خیر خواه شما باشم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را تعلیم دهم تا نادان ننمایید و تربیت کنم تا راه و رسم زندگی بیاموزید. اما حقی که من بر شما دارم، این است که در بیعت با من وفادار و در حضور و غیبت، خیر خواه من باشید و دعوت من را اجابت کنید و زمانی که فرمان دهم، فرمان برید» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴).

امام بزرگ‌ترین حقی را که خدا واجب کرده است، حق حاکم بر مردم و حق مردم بر حاکم می‌داند و این امر را نظامی برای همبستگی و سازگاری مردم می‌داند. به‌زعم امام علی 7 حال مردم جز با خوش رفتاری و صلاحیت زمامداران نیکو نمی‌شود و کار زمامداران نیز با پایداری مردم در فرمانبرداری اصلاح نخواهد شد. حضرت، تأکید می‌کند که در صورت عدم رعایت حقوق طرفین، نیکان خوار و اشرار عزیز می‌گردند (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

بعد از آن که زمامدار با انتخاب مردم بر سریر قدرت نشست، لازم است از همکاری و همدلی مردمی که او را بر سر کار آورده‌اند، استفاده بهینه را ببرد. حضرت علی 7 برای زمامداری و حاکم جامعه اسلامی اوصاف و وظایفی را بر می‌شمرد که اگر زمامدار تلاش کند خود را متصف به اوصاف مذکور کند و وظایف خود را در قبال جامعه و روابط و مناسبات خویش با مردم به خوبی انجام دهد، پیوندهای بین زمامدار و مردم به اعتماد طرفین منجر می‌گردد و موجب تقویت و افزایش سرمایه اجتماعی خواهد شد (نهج البلاغه، خطبه ۳، ۳۳، ۹۲، ۱۲۷، ۱۳۶، ۲۰۱، ۲۱۶؛ نامه ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۴۱، ۴۶، ۵۰، ۵۳، ۶۷، ۶۹، ۷۶، ۷۹؛ حکمت ۳۷، ۷۳، ۳۲۲، ۳۲۸، ۳۷۴، ۴۳۷).

حضرت علی 7 سیاست‌هایی را در پیش گرفته و شیوه‌هایی از تعامل و روابط را بر شمرده است که باید حاکمان در برخورد با دولت‌ها، ملت‌ها و دیگر کشورها بدان توجه کنند. این حقایق را از لابه لای سخنان امام و نیز تأمل در سیره آن بزرگوار می‌توان به دست آورد: رعایت حقوق انسان‌ها با هر تفکر و اندیشه‌ای و قائل شدن حقوق انسانی برای آنان و عنایت به اصل «عزت مداری» در برخورد و رویارویی با دیگران، دوری کردن از هر گونه پیوند و ارتباط عزت‌سوز در برقراری پیوند با دولت‌ها و ارتباط با ملت‌ها، تأکید کردن بر سیاست تشنج‌زدایی در برخورد با دولت‌ها، تن به ذلت‌ندادن، حرکت کردن در جهت گسترش صلح راستین و زندگی مسالمت‌آمیز آمیخته با عزت، جلوگیری از

دشمن تراشی، وفادار ماندن به پیمان‌های گوناگون، کوشیدن در حفظ و پاس داشتن حقوق دیگران، بهره گرفتن از دانش و علوم دیگران در حوزه فرهنگ، بهره جستن از فرایند دانش بشری و تأکید کردن بر سیاست استقلال فرهنگی (دانشنامه امام علی 7، 1380، ج 4: 87).

امام علی 7 در سخنی حکمت‌آموز، صلح و آشتی را پوشش عیب‌ها دانسته است (نهج البلاغه، حکمت 6). حضرت در عهدنامه خود به مالک اشتر آورده است که هرگز از صلحی که دشمن تو را به آن فرا می‌خواند و خشنودی خدا در آن باشد، روی بر متاب، زیرا آشتی، مایه آسایش سپاهیان و رهایی از رنج و غم و امنیت بخشی به شهر و کشور است. در عین حال امام هوشیاری بعد از آشتی با دشمن را گوشزد می‌کند که بعد از پیمان صلح با دشمن، جانب احتیاط را از دست مده تا غافلگیر نشوی، پس لازم است تا شیوه احتیاط و دوراندیشی را پیشه خود سازی (همان، نامه 53).

امام درباره چگونگی روابط اجتماعی با غیرمسلمانان که در پناه حکومت اسلامی به سر می‌برند، خطاب به یکی از کارگزاران چنین می‌نگارد که دهقانان شهر، از درشت‌خویی و قساوت تو شکوه کرده‌اند که تحقیرشان می‌کنی و بر ایشان ستم روا می‌داری! اندیشیدم و دیدم که آنان مشرکند و سزاوار آن نیستند که به خود نزدیکشان کنی و چون در پناه اسلام‌اند، شایسته نیست آنان را برانی و یا بر ایشان ستم روا داری؛ پس قاطعیت آمیخته به نرم‌خویی را شعار خود ساز و روشی میان درشتی و نرمی پیشینه خود ساز؛ نه آنان را بسیار به خود نزدیک و نه بسیار از خود دور کن. در واقع راه اعتدال را شیوه خود قرار بده (همان، نامه 19).

ملاحظه می‌شود که در نهج البلاغه توجه به روابط انسان‌ها در سطوح خرد و کلان مورد اعتنای جدی امام است؛ روابطی که موجب شکل‌گیری و تقویت هدف‌مند سرمایه اجتماعی می‌شود.

نتیجه‌گیری

با مراجعه به خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امام علی 7 در نهج البلاغه می‌توان نتایج کلی زیر را در موضوع بررسی سازه سرمایه اجتماعی در گفتار و نوشتار امیر مؤمنان چنین استنباط و بیان کرد:

۱. نگرش امام علی 7 به روابط اجتماعی به مثابه سرمایه اجتماعی به گونه‌ای است که روابط در سطوح خرد، اعم از خانواده، خویشان، همسایه‌ها و دوستان را با محوریت ایمان و حق طلبی به گونه‌ای بیان می‌کند که روابط صمیمی، پایدار و پیوسته را موجب می‌گردد.
۲. توجه امام علی 7 به روابط، عاطفی و پیوسته در سطوح خرد به سرمایه اجتماعی درون گروهی منجر می‌گردد که جامعه اسلامی از فواید و آثار آن بهره‌مند خواهد شد.
۳. دیدگاه امام علی 7 به روابط در سطوح کلان و در رابطه مسلمانان با یکدیگر و رابطه با سایر انسان‌ها بر اساس رضایت الهی و حق‌مداری به گونه‌ای شکل می‌گیرد که به ایجاد سرمایه اجتماعی برون‌گروهی منجر می‌گردد.
۴. ترکیب سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی به اعتماد فراگیر در سطوح مختلف منجر می‌شود که تعامل انسان‌ها و تفاهم زندگی مسالمت‌آمیز به دور از اختلاف و درگیری را رقم می‌زند که پیشرفت جوامع از جمله دستاوردهای آن است.
۵. در آموزه‌های علوی در نهج البلاغه وجود روابط پیوسته، صمیمی و عاطفی است که دل‌های مؤمنان و انسان‌ها را به هم نزدیک می‌کند و تشکیل سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و بین‌گروهی می‌دهد که بر اساس آن جامعه اسلامی نخست با یکپارچگی بین مسلمانان به اهداف دین اسلام در ایجاد و گسترش جامعه آرمانی و مطلوب خواهد رسید و در مرحله بعد در تعامل سازنده و تفاهم منطقی با جامعه بشری به هدف والای دین در توجه به انسانیت و کرامت وی نایل خواهد گردید.
۶. استفاده درست و صحیح از آموزه‌های نهج البلاغه در مقام نظر و به‌خصوص اهتمام به تحقق آنها در ساحت عمل و ورود آنها در سبک زندگی پیروان امام علی 7، می‌تواند سهم به‌سزایی در ارتقای سرمایه اجتماعی، به‌مثابه جان‌مایه حیاتی برای بهبود و پیشرفت جامعه اسلامی داشته باشد.

کتابنامه

- * قرآن کریم.
- * نهج البلاغه.
- * نهج الفصاحه.
۱. ابن ابی الحدید (۱۴۱۹ق) شرح نهج البلاغه، ج ۱، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
 ۲. اعتصامی، منصور و حامد فاضلی کبریا (۱۳۸۸)، «درآمدی به الگوی مدیریتی امام علی ۷ از منظر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، در: نشریه اندیشه مدیریت، ش ۶.
 ۳. باغینی، محمدمهدی و همکاران (۱۳۸۷)، مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 ۴. پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدرن، ترجمه: محمدتقی دل‌فروز، تهران: دفتر مطالعات تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
 ۵. تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
 ۶. تمیمی واحدی، عبدالواحد (۵۱۷ق)، غرر الحکم و دررالکلم، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
 ۷. جعفری، محمد مهدی (۱۳۸۰)، پرتوی از نهج البلاغه، ج ۱، تهران: وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
 ۸. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم اجتماعی، تهران: نشرنی.
 ۹. دادگر، یدالله، و محمدباقر نجفی (۱۳۸۵) «سرمایه اجتماعی و باز تولید آن در عصر پیامبر اسلام ۹»، در: فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲۴.
 ۱۰. دانشنامه امام علی ۷ (۱۳۸۰)، ج ۴، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۱. دوورژه، موریس (۱۳۷۵)، روش‌های علوم اجتماعی، ترجمه: خسرو اسدی، تهران: امیرکبیر.
۱۲. روشه، گی (۱۳۷۵)، سازمان اجتماعی، ترجمه: هما زنجانی زاده، تهران: سمت.
۱۳. شایگان، فریا (۱۳۸۶)، «بررسی رابطه دین‌داری و اعتماد سیاسی»، تهران: رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره).
۱۴. شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۸۶)، تحلیلی اجتماعی از صلۀ رحم، قم: بوستان کتاب.
۱۵. شریفی، طاهر (۱۳۸۷)، «اعتماد اجتماعی و آموزه‌های دینی» در: پژوهش‌نامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ش ۱۶.
۱۶. شکرپیگی، عالیه (۱۳۸۹)، مدرن‌گرایی و سرمایه خانواده؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: جامعه‌شناسان.
۱۷. صالحی امیری، سید رضا و اسماعیل کاوسی (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۸. ضرغامی، برزین (۱۳۸۶)، «نقش نهادها و رفتارهای دینی در تقویت و انسجام سرمایه اجتماعی»، در: ماهنامه پژوهشی، سیاسی و اجتماعی آیین، ش ۷.
۱۹. علینی، محمد (۱۳۹۱)، سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، قم: بوستان کتاب.
۲۰. _____ (۱۳۹۳)، «بررسی کارکردهای خانواده در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی»، در: فصلنامه علمی-پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، سال اول، ش ۴.
۲۱. _____ (پاییز ۱۳۹۳)، «مبانی دینی سرمایه اجتماعی و رابطه آن با حکمرانی خوب»، در: فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی، ش ۶۷.
۲۲. غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: جامعه‌شناسان.
۲۳. فاضلی کبریا، حامد (۱۳۹۱)، سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه رویکرد مدیریتی، تهران: دانشگاه امام صادق ۷.
۲۴. فصیحی، امان‌الله (۱۳۸۹)، اسلام و سرمایه اجتماعی با تأکید بر رویکرد فرهنگی، قم: پژوهشگاه فرهنگ، هنر ارتباطات.
۲۵. _____ (۱۳۸۶)، «دین و سرمایه اجتماعی»، در: نشریه معرفت، ش ۱۲۳.

۲۶. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم؛ سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان.
۲۷. فیلد، جان (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، ترجمه: غلامرضا غفاری و حسین رضایی، تهران: کویر.
۲۸. کتابی، محمود و همکاران (۱۳۸۳)، «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی و فرهنگی»، در: مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، ش ۲.
۲۹. مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۷)، در سایه سار نهج البلاغه، ترجمه: محمدجواد معموری، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۵)، تفسیر نمونه، قم: مدرسه امیرالمؤمنین.
۳۱. ملاحسنی، حسین (۱۳۸۱)، «بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و نوع دین‌داری در بین دانش‌آموزان سوم دبیرستان در استان گلستان»، تهران: پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۳۲. الهاشمی الخوئی، حبیب‌الله (۱۳۶۴) منهاج البراعه فی شرح البلاغه، ج ۳، تهران: مکتبه الاسلامیه.
33. Coleman, James (1988), *Social Capital in the creation of human capital*, American Journal of sociology.
34. Lin Nan (2001), *social capital a theory of social structure and action*. Cambridge university press.
35. Putnam, R. (2000), *Bowling Alone; The collapse and revival of American community*, Simon and Schuster, New York.
36. Woolcock, Michael (2001), *Social capital and Poverty Reduction*. UNESCO.